

پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی

سال دوم، شماره ۳، پیاپی (۵)، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۱۶-۱۳۲

بررسی نقش هموارسازی سود در پیش‌بینی سودآوری آتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*

سید علیرضا موسوی

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت

علی جمشیدی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت

کیهان رحمانی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت

چکیده

سود واحد تجاری یکی از اقلام صورت‌های مالی است که از اهمیت خاصی برای کلیه سرمایه‌گذاران برخوردار است به طوری که سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری، سود هموار و کم نوسان را ترجیح می‌دهند، از این رو مدیران تلاش می‌نمایند که سود و نرخ رشد آن را هموار کنند. بنابراین مدیران به قصد انتقال و گزارش اطلاعات محرمانه خود درباره سودهای آتی اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند. مسأله اصلی این پژوهش، تعیین این موضوع می‌باشد که آیا بین هموارسازی سود و سودآوری آتی رابطه معناداری وجود دارد و هموارسازی سود دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد؟ برای این منظور داده‌های مورد نیاز این پژوهش از ۴۰ شرکت فعال در صنایع فلزات اساسی و کانی، عضو بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۹ با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری گردیده است. روش پژوهش، توصیفی همبستگی با ماهیت کاربردی می‌باشد و برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسن و مدل رگرسیون چندگانه استفاده کرده‌ایم. پژوهش حاضر شامل چهار فرضیه می‌باشد که نتایج حاصل نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، هموارسازی سود، سودآوری جاری و سودآوری گذشته با سودآوری آتی رابطه معناداری از نوع مثبت وجود دارند. همچنین هموارسازی سود زمانی که سودآوری جاری و سودآوری گذشته سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌کند، بر محتوای اطلاعاتی افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی

هموارسازی سود، سودآوری، محتوای اطلاعات

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

۱- مقدمه

سرمایه‌گذاران معتقدند سود ثابت در مقایسه با سود دارای نوسان، پرداخت سود تقسیمی بالاتری را تضمین می‌کند. همچنین نوسانات سود به عنوان معیار مهم ریسک کلی شرکت قلمداد می‌شود و شرکت‌ها دارای سود هموارتر دارای ریسک کمتری می‌باشند. بنابراین شرکت‌های که دارای سود همواری هستند بیشتر مورد علاقه سرمایه‌گذاران بوده و از نظر آن‌ها محل مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود (داس و همکاران، ۲۰۰۹). هموارسازی سود به طور بالقوه پیامدهای مثبت و منفی برای سرمایه‌گذاران دارد، هموار کردن سود می‌تواند توسط مدیران برای ارائه اطلاعات مربوط به سودآوری آینده به کار رود، بنابراین هموارسازی ارزشمند بودن سود جاری را برای سود و جریان نقد آتی بهبود می‌بخشد (سانکر و سابرامانیا، ۲۰۰۱). انگیزه‌های مختلف برای هموارسازی سود وجود دارد که برخی آن‌ها مربوط به بازار سرمایه می‌باشد از آنجایی که می‌توان از درآمد جاری برای پیش‌بینی درآمد آتی استفاده کرد، هموارسازی سود را می‌توان به عنوان یک رابط برای ارائه اطلاعات خصوصی به بازار سرمایه دانست (چانی و لویز، ۱۹۹۵). هموارسازی سود باعث بهبود محتوای اطلاعاتی سود می‌شود به طوری که تغییرات قیمت جاری سهام شرکت‌ها اطلاعات بیشتری در رابطه با هموارسازی سود ارائه می‌دهد و سودآوری گذشته و سودآوری جاری، اطلاعات مفیدی در رابطه با سودآوری آتی و جریان‌های نقدی به وجود می‌آورد (جنیفر و پاول، ۲۰۰۵). ابزار هموارسازی سود ممکن است برای دست‌کاری ارقام سود و ریسک شرکت استفاده شود، بنابراین می‌تواند سرمایه‌گذاران را گمراه نماید و بر تصمیمات سرمایه‌گذاری آن‌ها اثر بگذارد. پس قسمت اصلی مزایای این تحقیق متعلق به سرمایه‌گذاران در جهت تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری است (معاد و محمد، ۲۰۱۰).

یکی از ویژگی‌های اطلاعات که می‌توان آن را به عنوان معیاری برای محتوای اطلاعاتی در نظر گرفت قدرت پیش‌بینی‌کنندگی آن است. محتوای اطلاعاتی یک قلم حسابداری به معنای میزان مفید بودن آن قلم در فرایند تصمیم‌گیری است (عرب مازار یزدی و جمالیان-پور، ۱۳۸۹). به طور کلی، محتوای اطلاعات به دو صورت یعنی محتوای اطلاعات نسبی و محتوای افزاینده اطلاعاتی طبقه‌بندی می‌شود. منظور از محتوای اطلاعات نسبی، مقایسه میان دو یا چند متغیر از نظر بار اطلاعاتی است و منظور از محتوای افزاینده اطلاعات، میزان اطلاعاتی است که یک یا چند متغیر به اطلاعات موجود اضافه می‌کند (چیت‌سازان و مجتهد زاده، ۱۳۸۴). در این پژوهش از مفهوم، محتوای افزاینده اطلاعات استفاده می‌شود. فرضیه هموارسازی سود برای اولین بار توسط هپورث در سال ۱۹۵۳ ارائه شد.

هموارسازی سود اقدامی آگاهانه است که مدیران به منظور کاهش نوسانات دوره‌ای سود در چارچوب اصول و روش‌های متداول حسابداری به آن دست می‌زنند. هموارسازی سود هدف مشخصی دارد و آن ایجاد جریان با ثباتی از رشد سود است (یون‌سون و مایلر^۵، ۲۰۰۲).

مدیران شرکت به دلایل و انگیزه‌های مختلفی اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند. انتقال اطلاعات درباره سود دوره‌های آتی، تحریف سود، افزایش رفاه سهامداران، افزایش رفاه مدیریت از جمله آن دلایل و انگیزه‌هاست (هاشمی و صمدی، ۱۳۸۸). با توجه به انگیزه‌های مدیریت واحدهای تجاری برای هموارسازی سود دو دیدگاه متضاد مطرح می‌شود، یکی از این دیدگاه‌ها، بیانگر این است که هموارسازی سود، محتوای اطلاعاتی سود را در جهت پیش‌بینی سود و جریان‌های نقدی آتی افزایش می‌دهد. در مقابل دیدگاه دیگر بیان می‌کند که سود هموارشده، سود تحریف شده است و اطلاعات گمراه کننده در اختیار استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و بازار قرار خواهد داد (تاکر و زاروین^۶، ۲۰۰۶). اگر مدیران از اختیار خود برای انتقال ارزیابی خود از سودهای آتی استفاده کنند هموارسازی سود از لحاظ پیش‌بینی سودهای آتی مفیدتر خواهد بود. به عبارت دیگر، در این حالت سود شرکت‌هایی که اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند، با استفاده از سودهای گذشته قابلیت پیش‌بینی بیشتری دارد و از سوی دیگر، اگر مدیران بی آنکه دارای این گونه اطلاعات از وضعیت آتی شرکت باشند، سودهای شرکت را به صورت غیر واقعی گزارش کنند، آنگاه هموارسازی سود باعث ایجاد دردسر می‌شود؛ چرا که بروز مشکلات در واحدهای دارای عملکرد ضعیف در آینده‌ی نزدیک می‌تواند خطرناک باشد (مارکاریان و همکاران^۷، ۲۰۱۰). با توجه به اهمیت سود برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و همچنین وجود رابطه مستقیم بین سود گزارش شده شرکت با سودآوری آتی، هموارسازی سود ارزیابی سرمایه‌گذاران از سود آتی شرکت را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این تحقیق بر روی هموارسازی سود تمرکز می‌کند و نقش آن را در پیش‌بینی سودآوری آتی مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر به نظر آید که هموارسازی سود دارای اطلاعات فزاینده می‌باشد پس توانایی ما برای بررسی تغییرات متغیرهای بازار افزایش می‌یابد. در تحقیق حاضر هدف ما پاسخ به این سوالات می‌باشد:

- ۱- آیا هموارسازی سود با سودآوری آتی دارای ارتباط می‌باشد؟
- ۲- آیا هموارسازی سود، اطلاعات فزاینده مرتبط با سودآوری جاری جهت پیش‌بینی سودآوری آتی ارائه می‌کند؟

۳- آیا هموارسازی سود اطلاعات فزاینده مرتبط با سودآوری جاری و گذشته در زمان پیش‌بینی سودآوری آتی ارائه می‌کند؟

۳- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

حقیقت و رایگان، (۱۳۷۸)، به این نتیجه رسیدند که، پدیده هموارسازی سود به طور بالقوه می‌تواند در رفتار استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی مؤثر واقع گردد. بسیاری از سرمایه‌گذاران، سرمایه‌گذاری در شرکتی که از یک روند ثابت سودآوری برخوردارند را ترجیح می‌دهند همچنین سرمایه‌گذاران معتقدند شرکت‌هایی که سودهای پر نوسان گزارش می‌کنند نسبت به شرکت‌هایی که سود هموار گزارش می‌کنند، ریسک بیشتری دارند.

هاشمی و صمدی (۱۳۸۸)، به بررسی آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن پرداختند، و به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود، توانایی پیش‌بینی سود دوره‌های آتی را افزایش می‌دهد در حالی که توانایی مذکور در پیش‌بینی ارقام تعهدی از طریق هموارسازی سود افزایش نمی‌یابد.

هانگ و همکاران^۸ (۲۰۰۹) اثر بالقوه هموارسازی مصنوعی و هموارسازی واقعی را بر ارزش شرکت بررسی کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که ارزش شرکت با بیشتر شدن هموارسازی مصنوعی کاهش و با افزایش هموارسازی واقعی افزایش می‌یابد. آن‌ها بیان کردند که شرکت‌ها می‌توانند با هموارسازی واقعی آگاهی بخشی سود شرکت را افزایش دهند و هزینه‌های نمایندگی شرکت را کاهش دهند.

دیچو^۹ (۲۰۱۰)، به این نتیجه رسید، زمانی که مدیران برای هموارسازی سود، سودها را به دوره‌های دیگر منتقل می‌کنند این امر موجب بهبود یا معیوب شدن، سودمند بودن اطلاعات می‌شود. برای مثال، هموارسازی ناپایداری‌های جریان نقدی، می‌تواند سودمند بودن اطلاعات را بهبود بخشد. به هر حال تلاش مدیران برای تغییرات دائمی هموارسازی سود در جریان‌های نقدی، سبب کاهش به موقع بودن و کاهش سودمند بودن اطلاعات سود خواهد شد.

معاد و محمد (۲۰۱۰)، به بررسی محتوای فزاینده اطلاعات ناشی از هموارسازی سود پرداختند. آن‌ها در تحقیق خود به دنبال این بودند که آیا سودآوری گذشته، سودآوری

جاری و هموارسازی سود، توانایی پیش‌بینی سودآوری آتی را دارد. آن‌ها با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون به آزمون تحقیق خود پرداختند. در نهایت به این نتیجه رسیدند که سودهای تأخیری، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای سودآوری آتی می‌باشد و مدیران شرکت‌ها نمی‌توانند برای رسیدن به سطح سودآوری هدف، به دست‌کاری سود با استفاده از ابزار مدیریت سود بپردازند.

چینگ و ژانگ^{۱۰} (۲۰۱۱)، دریافتند که شرکت‌ها، سودها را در جهت قابلیت مقایسه در صنعت‌های مشابه هموار می‌سازند و سودهای گزارش شده انحراف کمتری از سود اقتصادی دارد و از این رو بیشتر دارای اطلاعات سودمند می‌باشد. آن‌ها قابلیت مقایسه را مبتنی بر توان کوواریانس بین سود شرکت با سود شرکت‌های صنعتی مشابه اندازه‌گیری می‌نمایند و به این نتیجه رسیدند که؛ قابلیت مقایسه، مربوط بودن ارزش سود را افزایش می‌دهد و هموارسازی سود زمانی انجام می‌شود که قابلیت مقایسه سودها بالا باشد.

مارتینز و کاسترو^{۱۱} (۲۰۱۱)، به بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با ریسک و بازده سهام در شرکت‌های برزیلی پرداختند. آن‌ها بیان کردند که هموارسازی سود عبارتند از عادی سازی سود مطابق با اهداف خود. هدف تحقیق خود را ایجاد یک معیار برای تعیین میزان و درجه سیاست هموارسازی سود شرکت‌ها برای دسته‌بندی آن‌ها به عنوان شرکت‌های هموارساز و غیر هموارساز بیان نمودند. این مطالعه بر روی ۱۴۵ شرکت طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷ انجام شد آنان دریافتند که هموارکنندگان برزیلی با معیار و درجه کوچک و ریسک سیستماتیک، غیر هموارساز هستند و بالعکس. آن‌ها تفاوت در گروه‌ها را به وسیله آزمون‌های پارامتری، غیر پارامتری، مقطعی و سری زمانی را تأیید کردند.

هانگ (۲۰۱۱)، به این نتیجه رسید که هموارسازی سود اثر منفی قوی بر روی حساسیت سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و قیمت سهام دارد و این اثر منفی محرکی برای اجزای غیر اختیاری و اختیاری هموارسازی سود می‌باشد. همچنین دریافت که هموارسازی سود، کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را به وسیله کم کردن اثر کاهش ارزش بازار سرمایه‌گذاری بهبود می‌بخشد.

توکاگا و ساکای^{۱۲} (۲۰۱۱)، به بررسی هموارسازی سود به عنوان شکلی از سیاست‌های حسابداری مدیران پرداختند هدف آن‌ها از این تحقیق دستیابی به توانایی رفع انحراف ایجاد شده در صورت‌های مالی می‌باشد و موقعیت‌های صحیح شرکت‌ها را به عنوان

مرحله اولیه تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی و تعیین ارزش شرکت به کار می‌برند و دریافته‌اند که مدیران زمانی که سودهای گزارش شده کمتر از میزان برنامه ریزی شده باشد سعی در دست‌کاری آن‌ها می‌کنند و همچنین در پایان دوره اگر سود کسب شده بیشتر از سود برنامه ریزی شده باشد اقدام به دست‌کاری سود گزارش شده در جهت کاستن آن می‌کنند. بر اساس میانی نظری و پیشینه پژوهش فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

فرضیه‌های اصلی این پژوهش شامل ۴ فرضیه زیر می‌باشد که، در صنایع فلزات اساسی و کانی آزمون می‌شود:

فرضیه اول: بین سودآوری جاری و سودآوری آتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: هموارسازی سود، بر محتوای اطلاعاتی سودآوری جاری در زمان پیش‌بینی سودآوری آتی، می‌افزاید.

فرضیه سوم: سودآوری گذشته، بر محتوای اطلاعاتی سودآوری جاری در زمان پیش‌بینی سودآوری آتی، می‌افزاید.

فرضیه چهارم: هموارسازی سود، بر محتوای اطلاعاتی سودآوری جاری و سودآوری گذشته در زمان پیش‌بینی سودآوری آتی، می‌افزاید.

۳- روش‌شناسی تحقیق

۳-۱- جامعه و نمونه آماری

در این تحقیق شرکت‌های فعال در صنعت فلزات اساسی و کانی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. از بین این شرکت‌ها، شرکت‌هایی که واجد شرایط ذیل باشند را انتخاب کرده‌ایم که در نهایت ۲۱ شرکت از صنعت فلزات اساسی و ۱۹ شرکت از صنعت کانی به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

۱- از ابتدای سال ۱۳۸۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

۲- به منظور قابلیت مقایسه داشتن ارقام، پایان سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.

۳- شرکت مذکور در طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ تغییر سال مالی نداشته باشد.

۳-۲- روش تحقیق و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین متغیر مستقل هموارسازی سود، سودآوری جاری، سودآوری گذشته با متغیر وابسته سودآوری آتی می‌باشد و لگاریتم طبیعی ارزش کل دارایی‌ها، به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شد. روش پژوهش جهت انجام مطالعه مورد نظر، از نوع همبستگی می‌باشد. برای آزمون ارتباط بین این متغیرها از رگرسیون استفاده شده است.

اقلام صورت‌های مالی به دو بخش نقدی و تعهدی تقسیم می‌شود. در این پژوهش برای محاسبه‌ی هموارسازی سود از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود. مدیران از طریق دست‌کاری اقلام تعهدی اختیاری سود را مدیریت می‌کنند. اندازه‌گیری هموارسازی سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری عمدتاً مبتنی بر مدل جونز می‌باشد. مدل جونز بر این فرض استوار بود که اقلام تعهدی غیر اختیاری ثابت می‌باشد. مدل جونز برای اقلام تعهدی غیر اختیاری به صورت زیر می‌باشد:

$$NDA_{it} = a_1 [1/A_{it-1}] + a_2 [\Delta REV_{it}] + a_3 [PPE_{it}] + e_{it}$$

در نهایت از تفاضل کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیر اختیاری، اقلام تعهدی اختیاری (شاخص هموارسازی سود) به دست می‌آید:

$$DA_{it} = TA_{it} - NDA_{it}$$

مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه اول به صورت زیر می‌باشد:

$$PROF_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 PROF_{it-1} + \alpha_2 ASSET_{it-1} + e_{1it}$$

این مدل ارتباط بین سودآوری جاری و سودآوری آتی را مورد بررسی قرار می‌دهد تا توانایی سودآوری جاری در جهت پیش‌بینی سودآوری را آزمون نماید. مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه دوم به صورت زیر می‌باشد:

$$PROF_{it} = \beta_0 + \beta_1 PROF_{it-1} + \beta_2 DA_{it-1} + \beta_3 ASSET_{it-1} + e_{3it}$$

در این مدل توانایی هموارسازی سود برای پیش‌بینی سودآوری آتی بررسی می‌شود و اطلاعات فزاینده مرتبط با سودآوری جاری در جهت پیش‌بینی سودآوری آتی آزمون می‌شود.

مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه سوم به صورت زیر می‌باشد:

$$PROF_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 PROF_{it-1} + \gamma_2 PROF_{it-2} + \gamma_3 ASSET_{it-1} + e_{\gamma it}$$

این مدل توانایی سودآوری گذشته در پیش‌بینی سودآوری آتی را مورد بررسی قرار می‌دهد و اطلاعات فزاینده مرتبط با سودآوری جاری را در زمان پیش‌بینی سودآوری آتی آزمون می‌کند.

مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه چهارم به صورت زیر می‌باشد:

$$PROF_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 PROF_{it-1} + \lambda_2 PROF_{it-2} + \lambda_3 DA_{it-1} + \lambda_4 ASSET_{it-1} + e_{4it}$$

این مدل محتوای اطلاعات فزاینده ناشی از هموارسازی سود مرتبط با سودآوری جاری و سودآوری گذشته را در زمان پیش‌بینی سودآوری آتی مورد بررسی قرار می‌دهد. نحوه اندازه‌گیری متغیرها در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: متغیرهای تحقیق و نحوه اندازه‌گیری

PROF it-2	سودآوری دوره گذشته	Nlit-2/ SALEit-2
PROF it-1	سودآوری دوره جاری	Nlit-1/ SALEit-1
PROF it	سودآوری آتی	Nlit / SALEit
ASSETit-1	لگاریتم طبیعی دارایی‌ها	Log ASSATit-1
DAit-1	هموارسازی سود در سال $t-1$ ، شرکت i	TAit – NDAit
TAit	کل ارقام تعهدی	Nlit- CFOit
CFOit	جریان نقدی ناشی از فعالیت عملیاتی	
Nlit	سود خالص شرکت i ، در سال t	
SALit	فروش خالص شرکت i ، در سال t	
NDAit	ارقام تعهدی غیر اختیاری	$a_1 [1/ A_{it-1}] + a_2 [\Delta REV_{it}] + a_3 [PPE_{it}] + e_{it}$
Ait-1	کل دارایی‌ها	
ΔREV	تغییرات درآمد	REVit-REVit-1
PPEit	دارایی‌های ثابت مشهود	Property, Plant and Equipment in year t for firm i

۳-۳- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. داده‌های اولیه در قالب فایل‌هایی در نرم‌افزار صفحه گستر Excel طراحی و تکمیل گردید و سپس به منظور تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات حاصله از Spss استفاده گردید.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- آمار توصیفی

در جدول زیر آماره توصیفی مربوط به سودآوری و هموارسازی سود دو صنعت مورد بررسی ارائه شده است. در صنعت کانی میانگین سودآوری آتی ۰/۳۶۹، حداقل ۰/۴۷- و حداکثر آن ۰/۴۲ و میانگین هموارسازی سود ۰/۱۲۴- و حداکثر و حداقل آن به ترتیب ۰/۴۳۸ و ۰/۴۱۲- می‌باشد. اطلاعات مربوط به صنعت فلزات اساسی نیز در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۲: آماره توصیفی

	میانگین	تعداد	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
سودآوری آتی	۰/۳۶۹	۱۱۴	۰/۱۳۸	۰/۴۲	-۰/۴۷
سودآوری جاری	۰/۱۱		۰/۱۲	۰/۴۴۶	-۰/۲۷۱
فلزات اساسی	۰/۱۲۱		۰/۱۲۸	۰/۴۷	-۰/۲۷
لگاریتم دارایی	۱۲/۴۳		۰/۸۲۶	۱۴/۹۴	۱۰/۱۰
هموارسازی سود	-۰/۱۲۴۲	۱۱۴	۰/۲۲۱	۰/۴۳۸	-۰/۴۱۲
سودآوری آتی	۰/۲۸۳	۱۲۰	-۰/۴۰۳	۰/۴۸	-۰/۲۴
سودآوری جاری	۰/۱۴		۰/۳۷۲	۰/۴۷۱	-۰/۴۵۱
کانی غیر فلزی	۰/۱۱۶		۰/۲۶۱	۰/۲۷۳	-۰/۶۶
لگاریتم دارایی	۹/۸۶		۰/۸۴۸	۱۵/۳۶	۹/۸۶
هموارسازی سود	-۰/۱۷۶	۱۲۰	۰/۲۷۹	۰/۴۷۵	-۰/۲۴۲

۴-۲- نتایج آزمون فرضیه‌ها

جدول شماره ۳۴ همبستگی بین متغیرهای تحقیق با متغیر وابسته را نشان می‌دهد. نتایج ارائه شده در جدول همبستگی بیانگر آن است که در هر دو صنعت در سطح ۹۹ درصد بین سودآوری جاری، سودآوری گذشته و هموارسازی سود، رابطه مثبت و معناداری با سودآوری آتی و بین لگاریتم طبیعی ارزش کل دارایی و سودآوری آتی رابطه منفی و معناداری برقرار است. که ضعیف‌ترین رابطه مربوط به لگاریتم طبیعی ارزش کل دارایی (۰/۴۶۵-) و قوی‌ترین رابطه مربوط به سودآوری جاری (۰/۶۲۵)، سودآوری گذشته (۰/۵۷۸) و هموارسازی سود (۰/۵۳) که مربوط‌ترین اطلاعات را با توجه به ضریب پیرسون بیان می‌کنند. اطلاعات مربوط به صنعت کانی غیر فلزی نیز در جدول شماره ۳ قابل مشاهده می‌باشد.

در جدول شماره ۴ با توجه به آزمون فیشر (f)، نتایج حاصل از معنادار بودن مدل، در تمامی فرضیه‌ها می‌باشد. همچنین در آزمون معنادار بودن ضرایب (t)، نتایج حاکی از معنادار بودن ضرایب متغیرهای وارد شده به تمامی مدل‌ها می‌باشد.

جدول ۳: ماتریس همبستگی سودآوری آتی و دیگر متغیرها

فلزات اساسی		PROFit	PROFit-1	PROFit-2	ASSETit-1	DA it-1
PROFit	همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۲۵	۰/۵۷۸	-۰/۴۶۵	۰/۵۳
	سطح معناداری	.	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
PROFit-1	همبستگی پیرسون		۱	-۰/۵۲۹	-۰/۲۸۰	۰/۲۶۴
	سطح معناداری			۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴
PROFit-2	همبستگی پیرسون			۱	-۰/۳۹۵	۰/۴۴۴
	سطح معناداری				۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ASSETit-1	همبستگی پیرسون				۱	-۰/۲۳۳
	سطح معناداری					-۰/۱۳
DA it-1	همبستگی پیرسون					۱
	سطح معناداری					.
صنعت کانی						
PROFit	همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۳۷	۰/۳۱۲	-۰/۵۱۱	۰/۳۴۹
	سطح معناداری	.	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
PROFit-1	همبستگی پیرسون		۱	-۰/۶۴۵	-۰/۳۶۷	۰/۲۳۶
	سطح معناداری			۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹
PROFit-2	همبستگی پیرسون			۱	-۰/۲۲۳	۰/۲۳۱
	سطح معناداری				۰/۰۱۵	۰/۰۱۱
ASSETit-1	همبستگی پیرسون				۱	-۰/۲۱۵
	سطح معناداری					۰/۰۱۹
DA it-1	همبستگی پیرسون					۱
	سطح معناداری					.

ابتدا به آزمون فرضیه‌ها در صنعت فلزات اساسی و در نهایت نیز به آزمون فرضیه‌ها در صنعت کانی غیر فلزی می‌پردازیم. همان‌گونه که در مدل مربوط به آزمون فرضیه اول مشاهده گردید، سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است و متغیر مستقل سودآوری جاری با ضریب ۰/۵۸۲ وارد مدل شده‌اند. پس می‌توان گفت که، ارتباط مثبت و معناداری بین سودآوری جاری و سودآوری آتی وجود دارد و فرض H_0 رد و H_1 پذیرفته می‌شود. در مدل مربوط به آزمون فرضیه دوم، سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد و متغیرهای مستقل سودآوری جاری و هموار سازی سود به ترتیب با ضرایب ۰/۰۰۵ و ۰/۰۲۴ وارد مدل شده‌اند. پس می‌توان گفت که، ارتباط مثبت و معناداری بین سودآوری جاری و سودآوری آتی زمانی که هموار سازی سود وارد مدل می‌شود، وجود دارد و فرض H_0 رد و H_1 پذیرفته می‌شود.

جدول ۴: تأثیر متغیرها بر روی سودآوری آتی در صنعت فلزات اساسی

	فرضیه اول	فرضیه دوم	فرضیه سوم	فرضیه چهارم
ضریب ثابت	۱/۴۴۳	۱/۱۶۰	۱/۰۸۶	۱/۳۶۹
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
PROFit-1	۰/۵۲۸	۰/۰۰۵	۰/۴۵۴	۰/۵۸۶
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
PROFit-2	-----	-----	۰/۰۰۴	-----
سطح معناداری	-----	-----	۰/۰۰۰	-----
DA it-1	-----	۰/۰۲۴	-----	۰/۰۳۴۸
سطح معناداری	-----	۰/۰۰۰	-----	۰/۰۰۰
ASSETit-1	-۰/۱۱۰	-۰/۰۸۹	-۰/۰۸۶	-۰/۰۹۸
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
R	۰/۶۹۴	۰/۷۶۹	۰/۷۲۵	۰/۸۴۴
R2	۰/۴۸۲	۰/۵۹۲	۰/۵۲۶	۰/۶۹۶
Adj R2	۰/۴۷۳	۰/۵۸۱	۰/۵۱۳	۰/۶۷۴
F آماره	۵۱/۶۱۸	۵۳/۱۹۴	۴۰/۶۶۹	۵۷/۳۸۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
دوربین واتسون	۱/۹۷۳	۲/۰۸۵	۱/۹۵۶	۲/۱۷۴

در مدل مربوط به آزمون فرضیه سوم مشاهده می‌شود که سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد و متغیرهای مستقل سودآوری جاری و سودآوری گذشته با ضرایب ۰/۴۵۴ و ۰/۴۰۰ وارد مدل شده‌اند، با توجه به این که ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۵۱۳) فرضیه سوم بیشتر از ضریب تعیین تعدیل شده فرضیه اول (۰/۴۷۳) می‌باشد بنابراین سودآوری گذشته زمانی که سودآوری جاری سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌کند به محتوای فزاینده اطلاعات می‌افزاید. پس می‌توان گفت که، ارتباط مثبت و معناداری بین سودآوری جاری و سودآوری آتی زمانی که سودآوری گذشته وارد مدل می‌شود، وجود دارد و فرض H_0 رد و H_1 پذیرفته می‌شود. در مدل مربوط به آزمون فرضیه چهارم، سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد و متغیرهای مستقل سودآوری جاری و هموارسازی سود (سودآوری گذشته وارد مدل نشده است) به ترتیب با ضرایب ۰/۵۸۶ و ۰/۰۳۴۸ وارد مدل شده‌اند؛ پس می‌توان گفت که، ارتباط مثبت و معناداری بین سودآوری جاری با سودآوری آتی زمانی که هموارسازی سود وارد مدل می‌شود، وجود دارد و فرض H_0 رد و H_1 پذیرفته می‌شود.

جدول ۵: تأثیر متغیرها بر روی سودآوری آتی در صنعت کانی غیر فلزی

	فرضیه اول	فرضیه دوم	فرضیه سوم	فرضیه چهارم
ضریب ثابت	۰/۶۱۶	۰/۵۸۰	۰/۷۸۴	۰/۸۲۶
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
PROFit-1	۰/۵۹۷	۰/۵۶۱	۰/۶۳۷	۰/۶۲۲
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱
PROFit-2	-----	-----	۰/۳۷۵	۰/۳۲۷
سطح معناداری	-----	-----	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
MANAGit-1	-----	۰/۰۱۵	-----	۰/۰۱۸۶
سطح معناداری	-----	۰/۰۰۰	-----	۰/۰۰۰
ASSETit-1	-۰/۰۴۸	-۰/۰۴۴	-۰/۰۶۷	-۰/۰۵۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
R	۰/۷۰۴	۰/۷۲۲	۰/۷۹۲	۰/۸۹۷
R2	۰/۴۹۵	۰/۵۲۲	۰/۵۱۲	۰/۶۲۱
Adj R2	۰/۴۸۶	۰/۵۱۰	۰/۵۰۱	۰/۵۸۸
F آماره	۵۷/۳۳۴	۴۲/۲۰۷	۷۵۳/۵۳	۴۶۸/۴۸
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
دوربین واتسون	۱/۱۵۶	۱/۰۸۱	۱/۲۴۵	۱/۱۸۵۶

اما نتایج آزمون فرضیه‌ها در صنعت کانی غیر فلزی به شرح زیر می‌باشد:

همان‌گونه که در مدل مربوط به آزمون فرضیه اول مشاهده گردید، سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد و متغیر مستقل سودآوری جاری با ضریب ۰/۵۹۷ وارد مدل شده‌اند. پس می‌توان گفت که، ارتباط مثبت و معناداری بین سودآوری جاری و سودآوری آتی وجود دارد و فرض H_0 رد و H_1 پذیرفته می‌شود. در مدل مربوط به آزمون فرضیه دوم، سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد و متغیرهای مستقل سودآوری جاری و هموار سازی سود به ترتیب با ضرایب ۰/۵۶۱ و ۰/۰۱۵ وارد مدل شده‌اند. پس می‌توان گفت که، ارتباط مثبت و معناداری بین سودآوری جاری و سودآوری آتی زمانی که هموارسازی سود وارد مدل می‌شود، وجود دارد و فرض H_0 رد و H_1 پذیرفته می‌شود. با توجه به مدل مربوط به آزمون فرضیه سوم مشاهده می‌شود که سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد و متغیر مستقل سودآوری جاری و سودآوری گذشته، به ترتیب با ضریب ۰/۶۳۷ و ۰/۳۷۵ وارد مدل شده‌اند. پس می‌توان گفت که، ارتباط مثبت و معناداری بین سودآوری جاری و سودآوری گذشته با سودآوری آتی زمانی که سودآوری گذشته وارد مدل می‌شود، وجود دارد و فرض H_0 پذیرفته و H_1 رد می‌شود. در مدل مربوط به آزمون

فرضیه چهارم، سطح معناداری (۰/۰۰۰) کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد و متغیرهای مستقل سودآوری جاری، سودآوری گذشته و هموارسازی سود به ترتیب با ضرایب ۰/۶۲۲، ۰/۳۲۷ و ۰/۰۱۸۶ وارد مدل شده‌اند؛ بنابراین بین سودآوری جاری، گذشته و هموارسازی سود با سودآوری آتی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ در نتیجه فرض H_0 پذیرفته و H_1 رد می‌شود.

در نهایت جهت پاسخ دادن به دو سؤال زیر از آزمون Z وونگ استفاده کرده‌ایم، نتایج آزمون Z وونگ در جدول (۶) ارائه شده است.

۱- آیا هموارسازی سود، اطلاعات فزاینده مرتبط با سودآوری جاری جهت پیش‌بینی سودآوری آتی ارائه می‌کند؟

۲- آیا هموارسازی سود اطلاعات فزاینده مرتبط با سودآوری جاری و گذشته در زمان پیش‌بینی سودآوری آتی ارائه می‌کند؟

با مقایسه مدل یک و دو در صنایع فلزات اساسی و کانی غیر فلزی، نتایج آزمون Z وونگ بیانگر تفاوت دو مدل در صنایع مذکور می‌باشد؛ بنابراین جهت پاسخ دادن به سوال اول، با توجه به متفاوت بودن دو مدل فوق، می‌توان ضرایب تعیین تعدیل شده را با هم مقایسه کرد. با مقایسه ضرایب تعیین مدل اول و دوم، نتایج حاکی از بیشتر بودن ضریب تعیین تعدیل شده مدل دوم نسبت به مدل اول، در صنایع فلزات اساسی و کانی غیر فلزی می‌باشد. به عبارتی دیگر، با توجه افزایش ضریب تعیین تعدیل شده در فرضیه دوم (۰/۵۸۱) نسبت به فرضیه اول (۰/۴۷۳) می‌توان گفت که هموارسازی سود در زمانی که سودآوری جاری سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌کند دارای محتوای فزاینده اطلاعاتی می‌باشد. در نتیجه، زمانی که سودآوری جاری، سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌کند، هموارسازی سود به محتوای اطلاعات می‌افزاید و قدرت تبیین را بیشتر می‌کند. بنابراین فرضیه دوم پذیرفته می‌شود.

همچنین با مقایسه مدل سه و یک با استفاده از آزمون Z وونگ، نتایج در هر دو صنعت بیانگر محتوای اطلاعاتی فزاینده سودآوری گذشته و سودآوری جاری در پیش‌بینی سودآوری آتی نسبت به سودآوری جاری می‌باشد، زیرا طبق این آزمون مدل سه و یک با هم متفاوت هستند، بنابراین، ضرایب تعیین نشان دهنده محتوای اطلاعاتی مدل سه نسبت به مدل یک می‌باشد (سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد). پس فرضیه سوم نیز پذیرفته می‌شود.

از سوی دیگر، با مقایسه مدل سه و چهار در دو صنعت مذکور، نتایج آزمون Z وونگ نشان می‌دهد که، دو مدل مذکور با هم تفاوت معناداری دارند. بنابراین جهت پاسخ دادن به

سؤال دوم، با توجه به متفاوت بودن دو مدل فوق با هم، می‌توان ضرایب تعیین تعدیل شده را با هم مقایسه کرد. با مقایسه ضرایب تعیین تعدیل شده مدل اول و دوم، نتایج حاکی از بیشتر بودن ضریب تعیین مدل چهارم نسبت به مدل سوم، در صنایع فلزات اساسی و کانی غیر فلزی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، در صنعت فلزات اساسی با توجه به این که ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۶۹۶) فرضیه چهارم بیشتر از ضریب تعیین تعدیل شده فرضیه سوم (۰/۵۲۶) می‌باشد؛ از سوی دیگر با افزایش ضریب تعیین تعدیل شده در فرضیه دوم (۰/۵۱۰) نسبت به فرضیه اول (۰/۴۸۶) در صنعت کانی غیر فلزی با توجه به این که ضریب تعیین تعدیل شده فرضیه چهارم (۰/۵۸۸) بیشتر از ضریب تعیین تعدیل شده فرضیه سوم (۰/۵۰۱) می‌باشد بنابراین هموارسازی سود در هنگامی که سودآوری جاری و گذشته، سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌نمایند به محتوای فزاینده اطلاعات می‌افزاید. بنابراین هموارسازی سود در هنگامی که سودآوری جاری و سودآوری گذشته، سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌کند به محتوای فزاینده اطلاعات می‌افزاید؛ بنابراین، زمانی که سودآوری جاری و گذشته، سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌کند، هموارسازی سود به محتوای اطلاعات می‌افزاید و توانایی پیش‌بینی را افزایش می‌دهد. همچنین با مقایسه ضرایب تعیین در دو صنعت مورد بررسی، نتایج حاکی از قدرت تبیین و توضیح سودآوری آتی، در این دو صنعت متفاوت است.

جدول ۶: نتایج آزمون Z و وونگ

		مدل یک و دو	مدل سه و یک	مدل سه و چهار
فلزات اساسی	آماره Z	۵/۶۹۵	۳/۹۶۷	۴/۱۹۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲
کانی غیر فلزی	آماره Z	۳/۷۴۸	۱/۴۸۵۲	۲/۴۲۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱- نتایج حاصل از بررسی و آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که در هر دو صنعت فلزات اساسی و صنعت کانی غیر فلزی سودآوری جاری، سودآوری آینده را پیش‌بینی می‌کند و یکی از شاخص‌های پیش‌بینی مناسب برای سودآوری آتی، سودآوری جاری می‌باشد با توجه به تحقیقات قبلی این مورد با نظرات تحقیقات معاد و محمد (۲۰۱۰) و کالونکی و مارتاکانن (۲۰۰۳) شباهت دارد. سودآوری یکی از شاخص‌های حائز اهمیت برای شرکت-

های بوردی ایران به حساب می‌آید و سرمایه‌گذاران توجه زیادی به سودآوری شرکت می‌نمایند که سبب می‌شود سرمایه‌گذاران، برای سرمایه‌گذاری تصمیم بهتری بگیرند.

۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد زمانی که سودآوری جاری سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌کند، هموارسازی سود به محتوای اطلاعاتی سودآوری جاری، اطلاعات فزاینده‌ای می‌افزاید بنابراین هموارسازی سود در صنعت‌های فلزات اساسی و کانی غیر فلزی بر سودآوری آتی تأثیر می‌گذارد و باعث افزایش محتوای اطلاعاتی سودآوری جاری می‌گردد. نتیجه آزمون این فرضیه با نتایج تحقیقات کالونکی و مارتیکینن (۲۰۰۳) مشابه و با نتیجه تحقیقات معاد و محمد (۲۰۱۰) مغایر می‌باشد.

۳- نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم در صنایع فلزات اساسی و کانی غیر فلزی نیز مشابه است و نشان می‌دهد که سودآوری گذشته زمانی که سودآوری جاری، سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌کند. در صنعت فلزات اساسی به محتوای فزاینده اطلاعات می‌افزاید. بنابراین می‌توان گفت که، ارتباط مثبت و معناداری بین سودآوری جاری و سودآوری آتی زمانی که سودآوری گذشته وارد مدل می‌شود، وجود دارد. نتیجه آزمون این فرضیه در صنایع مذکور با نتایج ارائه شده توسط کالونکی و مارتیکانن (۲۰۰۳) مشابه و با تحقیق معاد و محمد (۲۰۱۰) مغایر است.

۴- نتیجه فرضیه چهارم نیز در دو صنعت مورد بررسی مشابه می‌باشد. بنابراین در صنعت فلزات اساسی و کانی غیر فلزی، هموارسازی سود در هنگامی که سودآوری جاری و سودآوری گذشته، سودآوری آتی را پیش‌بینی می‌کند به محتوای فزاینده اطلاعات می‌افزاید. نتیجه آزمون این فرضیه در صنایع مذکور با نتایج ارائه شده توسط کالونکی و مارتیکانن (۲۰۰۳) مشابه و با تحقیق معاد و محمد (۲۰۱۰) مغایر است. در نهایت می‌توان گفت که در بررسی‌ها و مطالعات آتی باید به اثر صنعت توجه ویژه‌ای نمود زیرا امکان دارد که نتایج از یک صنعت به صنعت دیگر متفاوت باشد.

۵-۱- پیشنهادهای تحقیق

استفاده‌کنندگان از یک سو می‌توانند از اطلاعات مربوط به سودآوری گذشته و سودآوری جاری جهت پیش‌بینی سودآوری آتی استفاده نمایند، از سوی دیگر به اثر هموارسازی سود نیز توجه کنند.

نتایج در صنایع مختلف می‌تواند متفاوت باشد و باید به اثر متغیر صنعت نیز توجه نمود.

۵-۲- محدودیت تحقیق

محدودیت تحقیق حاضر کم بودن شرکت‌های در صنایع مختلف موجود در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

یادداشت‌ها

- | | |
|--------------------------|------------------------|
| 1-sanker and subramanyam | 7-markarian et al |
| 2-chaney and lewis | 8-huang et al |
| 3-jennifer and paul | 9- dechow |
| 4-moade and mohammad | 10-cheng and zhang |
| 5-yoon soon and miller | 11-martinez and castro |
| 6-tucker and zarowin | 12-tokuga and sakai |

کتاب‌نامه

الف) فارسی

- ۱- جعفرپور میثم (۱۳۸۹)، ((تأثیر سهامداران عمده بر هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)) پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه چمران اهواز.
- ۲- چیت‌سازان، الهام و مجتهدزاده، ویدا (۱۳۸۴). ((بررسی کفایت محتوای اطلاعاتی گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای تهیه شده بر مبنای استاندارد حسابداری شماره ۲۲ در جهت تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان)) پژوهش‌های حسابداری مالی شماره ۲
- ۳- حقیقت، حمید و رایگان، احسان (۱۳۸۷) ((نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سودها در خصوص پیش‌بینی سودهای آتی)) بررسی‌های حسابداری و حسابرسی شماره ۵۴.
- ۴- عرب‌مازار یزدی، محمد و جمالیان‌پور، مظفر (۱۳۸۹). ((مقایسه محتوای اطلاعاتی و سودمندی صورت سود و زیان میان دوره‌ای ۳، ۶ و ۹ ماهه در بورس اوراق بهادار تهران)) پژوهش‌های حسابداری مالی شماره ۶.
- ۵- هاشمی، سید عباس و صمدی، ولی‌الله (۱۳۸۸). ((آثار هموارسازی سود در محتوای اطلاعاتی آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)) تحقیقات مالی شماره ۱.

ب) منابع انگلیسی

- 6- Chaney, P. K., & Lewis, C. M. (1995). Earnings management and firm valuation under asymmetric information. *Journal of Corporate Finance*, 1(3-4) 319-345
- 7- Cheng, A and Zhang, H (2011). Effects of Smoothing and Comparability on Value-Relevance of Earnings. *Department of Accounting Louisiana State University Baton Rouge, LA 70803*.PP 1-43

- 8- Das, S., H. Hong, and K. Kim. 2009. Cash flow volatility, income smoothing, and CEO cash compensation. *Working paper*, University of Chicago at Illinois
- 9- Dechow, P., W. Ge, and C. Schrand. 2010. Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics* 50 (2-3): 344-401.
- 10- Huang, A. G., (2009). The cross section of cash flow volatility and expected stock returns. *Journal of Empirical Finance* 16, 409–429
- 11- Huang, A. Wirjanto, T, Bandyopadhyay, S. (2011). Does Income Smoothing Really Create Value? *The Value of Long-Term Accrual Management*. pp. 1-54.
- 12- Markarian, G., and B. Gill-de-Albornoz. 2010. Income smoothing and idiosyncratic volatility. *Working paper*, Instituto de Empresa
- 13- Martinez, A, and. M. Castro.(2011). The Smoothing Hypothesis, Stock Returns and Risk in Brazil. *BAR, Curitiba*, v. 8. , n. 1, art. 1, pp. 1-20.
- 14- Moade, Mohhamad, (2010), “The Incremental Information Content of Earning Management” *International Research Journal of Financial and Economics*, PP. 61-72.
- 15- Sankar, M., and K. R. Subramanyam. 2001. Reporting discretion and private information communication through earnings. *Journal of Accounting Research* 39 (2): 365–386.
- 16- Tokuga, Y, and A. Sakai.(2011). Income Smoothing as a Form of Accounting Policy by Managers.
- 17- Tucker, J., & Zarowin, P. (2006). Does income smoothing improve earnings informativeness? *The Accounting Review*, 86(1), 251. doi: 10.2308/accr.2006.81.1.251.
- 18- Wiersma, Eelke (2008). " An exploratory study of relative and incremental information content of two non-financial performance measures: Field study evidence on absence frequency and on-time delivery", *Accounting, Organizations and Society*, Vol: 33, PP: 249–265.
- 19- W, Lai and L, Tesemg, (2011). Thy Relationship between Incom Smoothing and Company Profitability. *International Journal of Management*, pp.1-22.
- 20- Y, Dou and W, Thomas, (2011). Relationship-Specificity, Contract Enforceability, and Income Smoothing, *International Journal of Manag*